

فعالیت‌های سیاسی و انتشار اعلامیه‌های تند و سخنرانی‌ها، سران آن دستگیر و به زندان‌های درازمدت محکوم شدند.

نویسنده محترم در فرازهای بعدی مطالب خویش به نقش و جایگاه و شروع فعالیت‌های امام خمینی پرداخته است و ورود امام به عرصه مرجعیت و رهبری را سر آغاز تحولات بزرگی در ایران می‌داند. نخستین فعالیت سیاسی امام مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که دولت مجبور به عقب‌نشینی شد. این موفقیت، توجه مردم و فعالان سیاسی را به وی جلب کرد. ادامه مخالفت‌های امام با سیاست‌های شاه منجر به دستگیری وی و قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شد. و همین مسئله موجب بیدارتر شدن مردم شد. و سه ماه بعد از تبعید امام منصور نخست‌وزیر وقت به دست «هیأت‌های مؤتلفه اسلامی» ترور شد.

مهم‌ترین مواضع سیاسی امام، در تحولات سیاسی ایران تا قبل از ۱۳۵۶ ش عبارت‌اند از: ۱. محکوم کردن جشن‌های پُر خرج تاج‌گذاری شاه و همسرش؛ ۲. حمایت از مبارزان فلسطین و اجازه صرف وجوه شرعی برای آزادی فلسطین؛ ۳. محکوم کردن جشن‌های پیر هزینه بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران؛ ۴. تحریم عضویت در حزب رستاخیز. تحول مهم دیگر در این زمان، طرح مباحث اصلاح‌طلبانه درباره سازمان روحانیت بود. طالقانی، مطهری و بهشتی برجسته‌ترین روحانیونی بودند که اندیشه‌های اصلاحی خود را درباره مرجعیت و روحانیت مطرح کردند. برجسته‌ترین شاگرد امام، که با افکار و اندیشه‌های خود به مبارزه علمی با نظریات ضد دینی پرداخت شهید مطهری بود. در اواخر دهه ۱۳۴۰ حسینیه ارشاد نیز به یکی از کانون‌های مهم و تأثیرگذار در جامعه ایران تبدیل شد که افرادی چون مطهری، شریعتی، باهنر، حسین نصر در آن به فعالیت‌هایی از قبیل انتشار مقالات، کتاب و سخنرانی‌های مذهبی، مشغول شدند.

دکتر شریعتی با بیان شیوا و قلمی روان و جذاب به بازآفرینی تعاریف مفاهیم مذهبی سنتی و ارائه آن در قالبی نو و جامعه‌شناختی، موجی بلند در جامعه ایران به ویژه در میان نسل جوان ایجاد کرد.

فراز و فرود مشروطیت در ایران

بازتاب اندیشه ۶۵

۱۳۳

گزارش‌ها

عبدالله شهبازی

ایام، ش ۸ مرداد ۸۳



این مقاله حاصل گفت‌وگویی با استاد عبدالله شهبازی درباره تاریخ مشروطه ایران است که ایشان به سؤالات مختلف پیرامون مشروطه پاسخ داده‌اند.

۱. ایشان در پاسخ سؤال اول که درباره برداشت‌های گوناگون از مشروطه شده است می‌گوید: هر گروه تلقی در خور بینش خود را از مشروطه داشت، مثلاً جمعی از علما از آن با تعبیر «جمهوری اسلامی» یاد می‌کردند و جمعی خواستار تأسیس عدالت‌خانه و اجرای قوانین اسلامی بودند. که در نهایت مظفرالدین شاه با تأسیس «مجلس شورای اسلامی» موافقت کرد، که در مقابل عده‌ای که در سفارت انگلیس متحصن بودند و از حمایت این دولت استعمارگر برخوردار بودند، خواستار تغییر نام آن و حذف کلمه «اسلامی» از آن شدند و از شاه درخواست کردند که با عنوان «مجلس شورای ملی» آن را تأیید کند.

۲. استاد عبدالله شهبازی در پاسخ به پرسش دوم که درباره گروه‌های فعال در نهضت مشروطه می‌باشد. شش گروه را در این انقلاب تأثیرگذار می‌داند که به ترتیب عبارتند از: الف) «توده مردم» که از طبقات متوسط و فقیر شهری که فعال‌ترین بخش آن کسبه و بازاریان و صنعتگران بودند.

ب) مراجع، علما و وعاظ که مرتبط با مردم و کسبه و بازاریان بودند و نقش مهم برانگیختن مردم با آنها بود که از جمله نقش آفرینان بزرگ این قشر مراجع سه گانه آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا خلیل تهرانی بودند و از طبقه وعاظ، واعظ معروف ملک المتکلمین و سلطان‌المحققین و... بودند.

ج) «دیوان سالاران غرب‌گرا» که در وزارت خارجه اشتغال داشتند.

د) «کمبرادورها» دلالان و واسطه‌های تجاری که با غرب پیوند داشتند و از طرفی با گروه سوم نیز ارتباط تنگاتنگ داشتند که سابقه پیدایش آنان در ایران از دوره محمد شاه قاجار بوده است.

ه) سران ایلات و عشایر ایران که در این دوره ۲۵٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند و از قدرت نظامی مؤثری برخوردار بودند.

و) روشن‌فکران که در این دوره از شکل منسجمی برخوردار نبودند.

۳. وی در پاسخ به سؤال سوم «درباره عملکرد بروکرات‌ها» اظهار داشته این گروه دارای اهرم‌های بسیار متنفذ سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بودند و نخبگان سیاسی کشور را تشکیل می‌دادند، افرادی چون مشیرالدوله اولین صدر اعظم مشروطه و پسرانش نقش مهمی داشتند.

میرزا مهدی خان غفاری کاشی - از وابستگان بهائیان - وزیر هماپون که قرارداد ننگین ۱۸۵۷ که براساس آن هرات از ایران تجزیه شد، چنان‌که در عثمانی این طیف از نخبگان که از اهرم‌های کافی برای انحلال نظام عثمانی و برقراری نظام لائیک و دیکتاتوری آتاتورک فعالیت کردند. در ایران نیز همین بروکرات‌ها با استفاده از مشروطه و قدرت‌گیری در آن همین نقش را ایفا کردند و قدرت دیکتاتوری «دین‌ستیز» پهلوی را بر سر کار آوردند.

۴. پرسش از نقش کانون‌های دسیسه‌گر استعماری در انقلاب مشروطه پاسخ می‌دهد که این گروه در میان تمام گروه‌های فعال در مشروطه حضور فعال (جاسوسانه) داشتند و هدف انتقال قدرت به کمپرادورها را تعقیب می‌کردند. مهم‌ترین کانون این اندیشه «انجمن‌های سری سازمان ماسونی بیداری ایران است» که از جمله اقدامات این انجمن، می‌توان از به دار کشیدن شیخ فضل نوری و ترور عبدالله بهبهانی، توهین به آخوند خراسانی، ترور و حذف رجال سیاسی بزرگ ایران، تشکیل کمیته مجازات که در تعقیب هدف نهایی آنها «به قدرت رسیدن رضا خان» و شکست دادن و انحراف مشروطه بود، اشاره کرد.

۵. وی درباره مواضع علما در وقایع دوران مشروطه گفت علما در این موضوع به دو دسته تقسیم می‌شدند، گروهی خواستار خلع محمد علی شاه و گروه دیگر خواستار کوتاه شدن دخالت غرب‌گرایان و حفظ دولت قاجار بودند که شیخ فضل‌الله از این اندیشه حمایت می‌کرد که از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بود. گروه اندکی نیز بودند که در بین تجددگرایان حضور و با اندیشه آنها همخوانی داشتند افرادی چون خرقانی زنجانی. سید جمال واعظ ملک‌المتکلمین و تقی‌زاده که از سوابق درخشانی در میان علما برخوردار نبودند.

۶. آقای شهبازی در پاسخ به سؤالی که درباره تاریخ‌نگاری مشروطه مطرح شد چنین پاسخ دادند که ما درباره تاریخ‌نگاری معاصر گرفتار ضعف و سستی هستیم که از جمله این ضعف‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) عدم وجود آثار درباره برخی از مقاطع مهم انقلاب که دو کتاب کسروی و ناظم الاسلام نیز به آنها نپرداخته‌اند بنابراین علل وجود نقطه‌های کوری در مشروطه از دو عامل سرچشمه می‌گیرد: نخست ناشی از عدم توجه نویسندگان و دوم ناشی از سانسورهای عمدی نویسندگان و گزارشگران تاریخ مشروطه است. که احساس خلاءهای بزرگ پژوهشی در زمینه تاریخ مشروطه را جدی‌تر می‌کند.

ب) ضعف مهم دیگر در تاریخ‌نگاری مشروطه وجود فقر تاریخ‌نگاری در زمینه نقش مراجع تقلید در مشروطه است این ضعف از علت دوم نشأت می‌گیرد که به طور غرض‌ورزانه و هدف‌دار به تاریخ مشروطه نگریسته و با تعمد در صدد کوچک نمودن نقش علما بوده تا نقش دیگران را برجسته‌تر نشان دهند.

۷. وی علت اساسی ناکامی مشروطه را در فقر اندیشه سیاسی و اجتماعی دانسته است که از عدم شکل‌گیری بنیان‌های روشن‌فکری (عدم حضور نخبگان مولد اندیشه در عرصه‌های مدیریتی) دانسته است.

ذکر چند نکته ضروری است:

الف) یکی از علل مهم انحراف مشروطه وجود جاسوسانی انگلیسی در بین گروه‌ها و

فعالیت‌های تخریبی آنها در تمام مقاطع مشروطه است که حتی از ذکر نام «مجلس شورای اسلامی» نیز در آغاز پذیرش مشروطه جلوگیری کردند.

ب) علت دیگر می‌تواند عدم وجود هماهنگی فرهنگی در میان اقشار مختلف مردم و پایین بودن میزان آگاهی‌های مردم و فقدان رهبری واحد در مشروطه که از حمایت تمامی علما و مراجع برخوردار باشد. لذا پشت صحنه مشروطه دست استعمارگر پیر انگلیس این جریان را به سوی هدفی که دنبال آن بود هدایت می‌کرد تا به نفوذ رقیب دیرین خود (روس‌ها) در ایران پایان دهد که از قاجار حمایت می‌کردند.

ج) عدم توجه به نقش علمای شهرستان‌های دیگر در مشروطه نیز در مقاله دیده می‌شود.

موعود از منظر پروفیسور هانری کربن

رسالت، ش ۵۶۵۴، ۲۷/۵/۸۲

این مقاله بعد از اشاره‌ای بسیار کوتاه به نوع مطالعات هانری کربن، نظر او را درباره انتقال مفاهیم عرفانی از لسان ائمه اطهار به آثار عرفانی اهل سنت نقل کرده و از کلمات علامه طباطبایی شاهدهی برای حساسیت کربن نسبت به حقایق مذهب تشیع ذکر می‌کند. به نظر کربن اعتقاد به امام غایب می‌تواند مبدأ احیای زندگی معنوی دنیای امروز باشد، به گزارش نویسنده از آثار کربن، تشیع براساس فلسفه‌ای نبوی، متوجه انتظار است. انتظار تجلای کامل کلیه معانی پنهانی و روحانی که در انتظار امام غایب ممثل شده است. ولایت در دوران غیبت همان هدایت ارشادی امام است. کربن مفاهیم انسان کامل، ولایت و قطب‌الاقطاب را نه زائیده فکر ابن عربی که برآمده از اساس تفکر شیعی می‌داند. و به برخی از صوفیان مثال زده و تذکرة اولیا، عطار را شاهد می‌آورد. وی حتی ملامت‌های وارد در لسان ائمه نسبت به صوفیه را اعتراض به غضب مقام ولایت می‌داند نه اصل این مفاهیم. نویسنده ضمن نقل برداشت‌های کربن از روایات مربوط به ظهور امام غایب (عج) غفلت او از قیام مسلحانه حضرت را نکوهش می‌کند. کربن خود مردم را حجاب بین آنها و امام می‌داند چرا که قلب مردم که وسیله معرفت امام است در دوران غیبت متقلب شده است.

فراز بعدی مقاله به تبیین کربن از عالم مثال و تطبیق آن با افق حضرت ولی عصر (عج) اختصاص دارد.

کربن ظهور را به رستاخیز صغری تشبیه نموده و آن را مقدمه قیامت می‌داند بنابراین قیام حضرت حجت، مجالی برای تحقق فلسفه وجودی بشر است. به نظر کربن تفاوت‌های میان

بازتاب اندیشه ۶۵

۱۰۶

گزارش‌ها